واقعه

بازیگری که به ۱۰۰ سالگی نرسید

امروز سوم شهریور سالگرد درگذشت داریوش اسدزاده است

اسدزاده آنقدر سرزنده بود و امیدوار به زندگی و آینده که همیشه در مصاحبه هایش آرزو می‌کرد صد سال عمر کند، اصلا جشن گرفتن یك قرن زندگی یکی از آرزوهایش بود که متاسفانه محقق نشد و سال گذشته در چنین روزی و در ۹۶ سالگی درگذشت. او بازیگر پیشکسوتی بود که در فیلم‌ها و سریال‌های بسیاری بازی کرده بود و تجربه حضور روی صحنه تئاتر و کارگردانی در این عرصه هم از تئاتر نصر گرفته تا روزگار نزدیك‌تر به ما را در کارنامه فعالیت‌های خود داشت. سال‌های پایانی عمرش را اما بیشتر به نوشتن می‌پرداخت و ترجیح می‌داد روزگار کهولت سن و خانه‌نشینی را بخواند و بنویسد؛ آنقدر که کتابخانه مفصل و پر و پیمان او موضوعی بود که مواجهه با آن برای پژوهشگران و روزنامه‌نگارانی که به خانه‌اش رفت و آمد داشتند، نکته‌ای مهم و جالب بود.

یکی از به‌یادماندنی‌ترین بازی‌های اسدزاده برای مردم بازی‌اش در سریال «خانه سبز» است؛ سریال موفقی که در دهه ۷۰ بسیار مورد توجه مردم بود و حالا هم پخش مجدد آن هنوز بیننده دارد. در این سریال زنده‌یاد خسرو شکیبایی هم در کنار اسدزاده بازی می‌کرد و نقش پدر و پسر داشتند. اسدزاده همیشه برای بازی در این سریال محبوب مورد پرسش قرار می‌گرفت و خاطراتی را درباره‌اش بیان می‌کرد. او در یکی از خاطرات خود چنین می‌گوید: «شکیبایی دوست داشتنی و گرم بود. با محبت بود. یادم است یك روز دیر سر کار آمده بود. به او گفتم چرا دیر آمدی؟ گفت: استاد معذرت می‌خواهم و نمی‌دانستم شما امروز زود آمدی. گفتم نباید دیر بیایی و سر ساعت بیا. همه منتظر تو هستند. و او گفت که گرفتار شدم، گفتم اگر این دفعه دیر بیایی دیگه باهات حرف نمی‌زنم. بعد بوسم کرد و همدیگر را در آغوش گرفتیم. ۶-۵ تا فیلم با او کار کردم.» اسدزاده به ارتباط خانوادگی و صمیمی‌اش با خسرو شکیبایی اشاره می‌کند و با بیان خاطره‌ای از او، توضیح می‌دهد: «با آقای خسرو شکیبایی خیلی صمیمی بودم، رفت و آمد داشتیم، به خانه ما می‌آمد و با خانواده‌اش - پسر و همسرش - آشنا بودم. با خانم خیرآبادی هم که از سال ۱۳۲۶ در تئاتر کار می‌کردیم، صمیمی بودیم. انسان شاد و گرمی بود و تقریبا یك فامیل بودیم و این صمیمیت بود که کار را گرم می‌کرد. این صمیمیت است که الان تصنعی است و نیست. دیگر آن صمیمیت را نداریم. داستان‌هایی که می‌توانستیم آن زمان بپردازیم، دیگر نیست؛ اگر هم باشد خیلی کم است. اینهایی که من می‌بینم کارهای قشنگی نیست.»

سلبریتی‌ها با نگهداری از حیوانات خانگی عجیب چه اتفاقاتی را دامن می‌زنند؟

بازی با دم شیر در خانه

بعد از این که اعلام شد علی زندوکیلی، خواننده موسیقی پاپ قصد دارد بچه‌شیری را در خانه نگهداری کند، حواشی بسیاری ایجاد شد

۱۰

درباره چند کتاب عاشورایی که این روزها داغ داغ از چاپخانه بیرون آمده‌اند

چاپ اول؛ محرمِ ۱۴۴۲

زینب مرتضایی‌فرد
فرهنگ و هنر

اهالی کتاب، چند موعد پرکار در طول سال دارند؛ علاوه بر روزهای منتهی به برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، که البته امسال به خاطر جلوگیری از شیوع ویروس کرونا لغو شد، روزهای منتهی به دهه اول ماه محرم و طول ماه محرم و صفر را نیز باید به عنوان روزهای پرکاری مولفان، مترجمان، ناشران، چاپخانه‌ها و کتابفروش‌ها به حساب آورد. محرم امسال نیز با افزایش انتشار کتاب‌هایی در موضوعات مرتبط با قیام امام حسین (ع) روبه‌رو بوده‌ایم. هم کتاب‌های شعر عاشورایی که برخی‌شان مشخصا برای استفاده مداحان و ذاکرین جمع‌آوری شده‌اند، هم کتاب‌های داستانی و هم کتاب‌هایی غیرداستانی و در تحلیل پیام‌های عاشورا این روزها روانه بازار کتاب شده‌است. در این میان، به چند کتاب، نگاهی انداخته‌ایم.

تقدیم به هشام

رمان «پس از بیست سال»

نویسنده: سلمان کدیور

ناشر: شهرستان ادب

رمان «پس از بیست سال» درباره سلیم بن هشام است که فرزند یکی از یاران علی (ع) در یمن بوده و ابتدا در گروه یاران معاویه قرار داشته اما با گذشت سال‌ها، خود را به سپاه امام حسین (ع) می‌رساند. کتاب، ازقضا یکی از ۱۱ کتابی است که محرم امسال در طرح «سفیر حسین» در مساجد و هیأت‌ها معرفی و ترویج خواهد شد. به راستی چرا حسین را کشتند؟ این رمان تلاشی است برای یافتن پاسخ این پرسش. رمانی که از کربلا آغاز می‌شود و با یک چرخش زمانی به روزگار خلافت خلیفه سوم و حکمرانی معاویه در شام می‌رود و دسیسه‌های پسر هند را به خواننده نشان می‌دهد.

نویسنده با این داستان کوتاه شش‌صفحه‌ای به صید مخاطب می‌پردازد و سپس مخاطب را به ۲۵-۲۰ سال قبل برمی‌گرداند و به روایت چگونگی بالندگی سلیم در دل دشمن علی علیه‌السلام و زمینه‌های پیوستن او به مولایش و حوادث و جریانات مختلف زندگی او می‌پردازد.

ادبیات داستانی

تقدیم به ناظر عاشورا

«صحنه‌گردان عاشورا»

نویسنده: محمدهادی مصلحی

ناشر: انتشارات شهید کاظمی

هم زاویه دید کتاب خاص است، هم موضوع مورد بررسی. محمدهادی مصلحی کتاب «صحنه‌گردان عاشورا» را با محوریت بررسی نقش خداوند متعال در واقعه عاشورا نوشته است. تاکنون درخصوص حادثه عاشورا و تحلیل آن سخنان گوناگونی شنیده‌ایم؛ درباره روند شکل‌گیری این حادثه پس از رحلت پیامبر اعظم (ص)، نقش معاویه و فعالیت‌های او، نقش یزید. درباره ابن زیاد و عمر سعد، مال حرام و دنیاخواهی و آرزوی حکومت ری، قیام توابین و مختار و زهیر و حبیب و حر بارها شنیده‌ایم. درباره، حضرت علی‌اکبر (ع)، ادب و وفای ابوالفضل‌العباس (ع)، نقش بی‌بدیل و صبوری حضرت زینب (س)، حتی درباره حضور لشکریانی از فرشتگان و جنیان که درخواست یاری حضرت را داشتند، بارها شنیده‌ایم؛ اما معمولا نقش یک‌وجود تأثیرگذار در حادثه عاشورا که اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند، کمتر شنیده‌ایم؛ نقش خداوند متعال در حادثه عاشورا. کتاب «صحنه‌گردان عاشورا» تلاش خود را در راستای نشان‌دادن این نقش تأثیرگذار معطوف کرده‌است.

تاریخی- تحلیلی

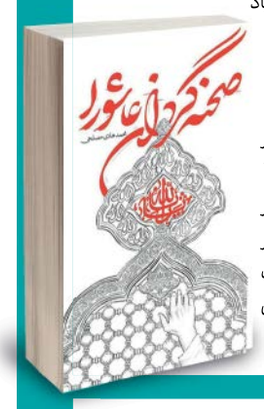

تقدیم به سعدی شیرازی

متن کامل «روضه‌الشهدا»

نویسنده: حسین واعظ کاشفی

مصحح: حسن ذوالفقاری

ناشر: علمی و فرهنگی

چقدر خوب که متن کامل کتاب «روضه‌الشهدا» با تصحیح حسن ذوالفقاری منتشر شده‌است؛ استادی که ادبیات فارسی و عربی را خوب می‌داند. تمرکز این کتاب بر واقعه کربلاست ولی ابوابی از آن به شرح مصائب سایر انبیا و امامان شیعه پرداخته‌است. بسیاری بر این باورند که این کتاب نخستین و جامع‌ترین کتابی است که به زبان فارسی و با موضوع مقتل عاشورا نوشته شده‌است.

این کتاب در اواخر عهد تیموریان تألیف شده و پس از انتشار به عنوان منشأ روایی تعزیه به شکل‌گیری فرهنگ عامه تشیع در ایران و دیگر مناطق شیعه‌نشین کمک شایانی کرده‌است. شاعران، نویسندگان، و داستان‌سرایان متعددی از روضه‌الشهدا برای خلق آثار ادبی و هنری الهام گرفته‌اند. امروزه برداشت عامه مردم از واقعه کربلا همچنان متأثر از این کتاب است. عمده شهرت روضه‌الشهدا به دلیل عبارت‌پردازی‌های زیبای آن است که به شیوه گلستان سعدی، با نثری مسجع و جذاب و با بهره‌گیری از عناصر داستانی نوشته‌شده‌است. این کتاب همچنین در مقدمه‌ای تفصیلی درباره کتاب و نسب مولف آن شرح داده‌است و از زبان مصحح کتاب درباره پیوند میان این اثر با تعزیه، روضه خوانی و سنت مقتل نویسی قبل و بعد از این کتاب و نیز کیفیت ترجمه‌های موجود از این کتاب صحبت کرده‌است.

روایت

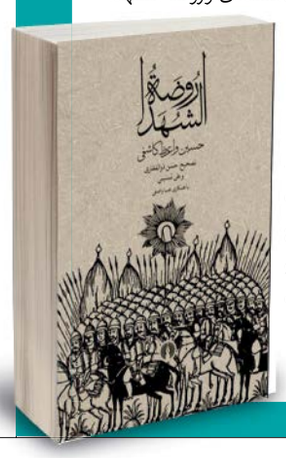

تقدیم به اهالی هیات

مجموعه شعر «تیغ هفتاد و دو دم»

شاعر: مجتبی خرسندی

ناشر: عصر صادق

کتاب شعر عاشورایی در این سال‌ها کم منتشر نشده‌است. اما کتابی که می‌خواهیم اینجا درباره‌اش بنویسیم این ویژگی را دارد که شعرهایش با رویکرد اجرا در هیأت‌ها نوشته شده‌است. کتاب مجموعه‌ای است از ۷۲ شعر عاشورایی در ۱۲۰ صفحه. اشعار در وزن‌ها و قالب‌های مختلف اعم از غزل، چارپاره، مسمط، غزل - مثنوی، غزال و رباعی با درون‌مایه مناجات، مدح و مرثیه سروده شده تا پاسخگوی برخی نیازهای مداحان در جلسات عزاداری سرور و سالار شهیدان باشد. این مجموعه بر اساس مناسبت‌های مرسوم شب‌های محرم و صفر، در ۱۴ بخش چینش شده و سعی بر این بوده که برای هرشب اشعار یک جلسه کامل در دسترس قرار داده شود. همچنین تنوع در محتوا و اوزان اشعار، امکان اجرای آنها به صورت نوحه را هم فراهم آورده‌است. تا حد امکان تلاش شده از مدایح و مراثی مستند به روایات و منطبق بر مقاتل معروف و معتبر استفاده شود تا نیازی به ارجاع دوباره در پاورقی نباشد.

شعر

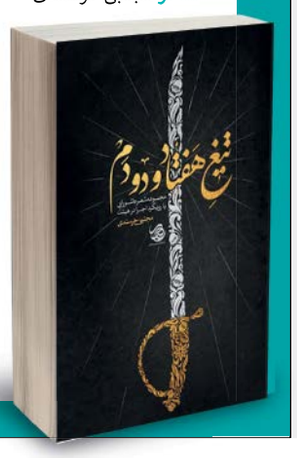

تماشاخانه

آتنا آدینا
کارشناس تئاتر

افشاگری هنرمندانه حقیقت

تعزیه بیانی نمایشی از یك واقعیت است که با استفاده از رنگ لباس‌ها و کدهای از پیش تعیین‌شده، مردم کوچه و بازار را در جریان رویدادی هولناك قرار می‌دهد. بیانی که به باور برخی توسط ایرانیان شیعی برای ابراز ارادت به حضرت سیدالشهدا(ع) شکل گرفته‌است و به باور بعضی دیگر ریشه‌ای کهن‌تر در کشورمان دارد.

حال چه این بیان در زمان آل‌بویه شکل گرفته‌باشد یا ربطی به سیستم فاصله‌گذاری تئاتر برشت داشته‌باشد یا نه، این واقعیت قابل انکار نیست که تعزیه در شکل متاخر آن، نمایشی آیینی برای مردم کوچه‌وبازار بوده‌است؛ روایتی که نه‌تنها ارادت مذهبی آنان را بیان می‌کرده‌است که فهم ساده نمایشی را نیز قوت می‌بخشیده‌است، همان‌جا که تشت آب نشانه رود فرات می‌شده و رنگ‌ها جان و شخصیت می‌گرفتند تا بیانگر نقش اولیا و اشقیا باشند.

تعزیه نوعی افشاگری حقیقت توسط هنر است و در عصری که امکان ثبت و ضبط وقایع به شکل امروزی نبود، برخی روایات دینی را به زبان ساده ثبت، نگهداری و بیان می‌کرد.

این نوع نمایش هنوز هم امکان اجرا در جامعه را دارد و با آن‌که امکان تغییر در ساختار تعزیه به باور صاحب‌نظران مقدور نیست اما می‌توان با فرم‌های جدیدی منطبق بر نیاز روز جامعه توسط هنرمندان تحصیل‌کرده تئاتر بازخوانی و اجرا شود تا در این زمانه کرونا و خانه‌نشینی و ترس از حضور در سالن‌های سربسته روح تازه‌ای در کالبد تئاتر بدمد.

تعزیه و دیگر آیین‌های نمایشی همان حلقه‌های واسط میان مردم و تئاترند، حلقه‌ای که مدت‌هاست نبودش کلاف پیچیده ارتباط با مخاطب را به گره‌ای کور تبدیل کرده‌است.

تعزیه بدون انکار و با توجه به اسناد به‌جامانده از عصرهای پیشین، بخشی بزرگ و مردمی از هنر نمایش است که از معین البکا (کارگردان) و موافق‌خوان (قهرمانان) تا تخت‌خوان (یزید) آن اثری شگرف بر روح و روان جامعه داشته و سبب وفاقی دوباره میان زندگی روزمره مردم کوچه‌وبازار با روایتگری تئاتری خواهدبود.

هر سال این روزها در میان ترافیك گرفتن نذورات و نوحه‌هایی گاه غریب و غربی، جای تعزیه در خیابان‌ها خالی است. تا رنگ‌های ساده و سمبلیکش از چشمان جوانان و نوجوانان به روح و قلب‌شان چنگ بیندازد. تا صدای طبل‌ها که برمی‌خیزد، دود اسپند که فضا را پر می‌کند و چکاچك شمشیرها که به آسمان می‌رود کربلا را نه تخیل که تجربه کنند.